

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۷ اگست ۲۰۰۹

شکوه

(۶) در آلمان :

{ ب }

گاهی مکیدن ، لبِ جانانه را
گاهی چشیدن می پیمانه را
سجد و هم سيب و انارش ببین
چوش و نوازش و فشارش ببین
وای و جب ، دخترِ جرمن نگر
عشوه و ناز و بشن و تن نگر
گه ز حرارت ، تب و تابش بلند
گه ز بکارت اخ و آخش بلند
گاهی لمیدن به سرِ تختِ خواب
وای و جب ، غنچه جرمن نگر
آخ و آخش وقتِ شکفتن نگر
مشکِ ختن ، بوسه به برگِ سمن
قطره چکان ، لعلِ بدخش و یمن

ساحلک بحر وجودش همی
 ریخته از لؤلؤ و مرجان یمی
 وای و جب ، گلرخ جرمن نگر
 آخ و اخش وقت لمیدن نگر
 پیکر سبا داد پیامش ، چنین
 بارور ست معدن عشق از نگین
 تاشجر وصل پر از شاخه شد
 شاخه امید ، پر از میوه شد
 وای و جب ، کفتر جرمن نگر
 آخ و اخش ، وقت پریدن نگر
 مدتی بگذشت و ، برفت از قضا
 روزی به استخر ، برای شنا
 دخترکی دیگری بس خوشنما
 هیکلی زیبا و ، به قامت رسا
 وای و جب ، جرمن دیگر نگر
 برقده و بالا و به پیکر نگر
 ناف نمایان و دران ، حلقه ها
 بر بدنش ، نقشه و رنگ ، تاپه ها
 هیکل خورشید ، ز ابر حریر
 سر زده از هرسو ، ملیح و سعیر
 وای و جب ، جرمن دیگر نگر
 برقده و بالا و به پیکر نگر

شکوه

(٦) در آلمان :

{ ج }

صحبتي بنمود و گرفتش به دام
تاچشكي را ، زده باشد ز جام
ديگِ آنس زود بيامد به جوش
آشِ هوس پخته و هم در خروش
وای و جب ، جرمنِ ديگر نگر
بر قد و بالا و به پيكر نگر
ادامه دارد